# فهرست مطالب

[خطبه اول 2](#_Toc426067832)

[رعایت عهد و امانت 2](#_Toc426067833)

[یکی از امتیازات رسول خدا (ص) 2](#_Toc426067834)

[قرارداد و توافق های میان انسان ها 3](#_Toc426067835)

[توافق نامه میان رسول الله(ص) و مسلمان ها با یهود 3](#_Toc426067836)

[توافقات میان افراد یا گروه ها 4](#_Toc426067837)

[امانت داری 4](#_Toc426067838)

[تأکید روایات بر اخلاق اجتماعی 4](#_Toc426067840)

[شاخص انسان مؤمن و مسلم 5](#_Toc426067841)

[پایه های اخلاق اجتماعی اسلام 5](#_Toc426067842)

[معیار و شاخص اخلاق اسلامی 6](#_Toc426067843)

[معنای اولیه ی امانت 6](#_Toc426067844)

[انواع امانت داری 7](#_Toc426067845)

[1ـ امانت در مال 7](#_Toc426067846)

[2ـ امانت در کاری که به شخص سپرده می شود 7](#_Toc426067847)

[3ـ امانت به فکر 7](#_Toc426067848)

[آثار امانت داری 7](#_Toc426067849)

[وجود اعتماد اجتماعی 8](#_Toc426067850)

[معیار مهم در اخلاق 8](#_Toc426067851)

[امانت های اجتماعی 9](#_Toc426067852)

[خطبه دوم 9](#_Toc426067853)

[مناسبت ها 10](#_Toc426067854)

[میلاد حضرت فاطمه معصومه (س) 10](#_Toc426067855)

[دهه ی مبارکه ی فجر 10](#_Toc426067856)

[حوادث زمان مرحوم آیت الله بروجردی 10](#_Toc426067857)

[حوادث بعد از رحلت مرحوم آیت الله بروجردی 11](#_Toc426067858)

[سابقه ی تاریخی علما و مراجع 11](#_Toc426067859)

[قابلیت های مرحوم آیت الله بروجردی 12](#_Toc426067860)

[رحلت مرحوم آیت الله بروجردی 12](#_Toc426067861)

[لوایح شش گانه و رفراندوم 12](#_Toc426067862)

[نخست وزیرهای شاه 12](#_Toc426067863)

[مخالفت ها علیه رفراندوم 13](#_Toc426067864)

[برگزاری رفراندوم 13](#_Toc426067865)

[هجوم به مدرسه ی فیضیه 13](#_Toc426067866)

[قضیه 15 خرداد 14](#_Toc426067867)

[تعویض نخست وزیر 14](#_Toc426067868)

[آزادی امام (ره) 14](#_Toc426067869)

[سخنرانی امام (ره) در 21 فروردین سال 43 15](#_Toc426067870)

[حادثه ی کاپیتولاسیون 15](#_Toc426067871)

[یکه تاز ی آمریکا در کشور ما 15](#_Toc426067872)

[قانون عهد استعمار 15](#_Toc426067873)

[سخنرانی امام (ره) علیه کاپیتولاسیون 16](#_Toc426067874)

[اهمیت تاریخ برای آینده ی کشور 16](#_Toc426067875)

# خطبه اول

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# رعایت عهد و امانت

زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) و همین‌طور سیرهٔ نورانی اهل‌بیت عصمت و طهارت (ع) یکی از مسائلی که احساس و مشاهده می‌شود، تأکید بزرگواران بر رعایت عهد و امانت بوده است؛ و عنایت به اینکه به ما بیاموزند که در زندگی اجتماعی خودمان باید به عهد و امانت وفادار باشیم.

خود ائمه طاهرین (ع) هم همین‌طور بودند. وقتی‌که به زندگی آن‌ها مراجعه کنیم علاوه بر اینکه تأکید داشتند که باید به امانت‌ها و عهدها وفادار باشید در عمل خودشان هم همین‌طور بوده است.

در خود زندگی نورانی رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) کسی که مراجعه کند این را می‌بیند که خود حضرت در عهدها و امانت‌ها فوق‌العاده مقید بود.

# یکی از امتیازات رسول خدا (ص)

در خود زندگی رسول خدا (ص) این‌طور نقل شده است که قبل از اینکه ایشان مبعوث بشوند، یکی از امتیازات رسول خدا (ص) این بود که به صدق و امانت‌داری مشهور بود.

یعنی هیچ‌کس در طول دورهٔ نورانی آن حضرت حتی برای یک‌بار هم در زندگی ایشان نقل یک خیانت‌درامانت و عهد و زیر پا گذاشتن عهد و امانت در زندگی رسول خدا (ص) نقل نشده است.

این چیزی که عقل ما هم می‌فهمد که روابط سالم اجتماعی در صورتی برقرار می‌شود که انسان‌ها بر عهد و پیمان‌های خود ثبات داشته و وفادار باشند؛ و همین‌طور در امانت‌های فردی و اجتماعی که به آن‌ها سپرده شده است، پایبند و وفادار باشند.

این از مسائلی است که در متن اخلاق انسانی وجود دارد.

عقل بشر خوبی و نیکی آن را می‌فهمد. همین مسئله در شریعت ما و در اسلام و تعالیم اسلام با تأکید هر چه بیشتر موردتوجه قرارگرفته است.

در خود قرآن کریم آیاتی در باب عهد قرار دارد. امان، امانت‌داری و نظایر این‌ها وارد شده و هم در روایات فراوان آمده است. هم در دستورهایی که ائمه و رسول گرامی اسلام (ص) بر آن تأکید کرده‌اند؛ و در عمل هم همین‌طور بوده است.

یکی از چیزهایی که اگر کسی به زندگی رسول خدا (ص) مراجعه کند می‌بیند که یکی از چیزهایی که هم خود ایشان در قبل از بعثت به آن شناخته‌شده بودند و هم بعد از بعثت فوق‌العاده در اعمال و رفتار فردی و اجتماعی خود رعایت می‌کردند مسئلهٔ عهد و امانت بوده است. حتی خیلی از جاها هم رسول خدا (ص) می‌توانست یک قرارداد یا عهد را زیر پا بگذارد و به‌ظاهر هم موفق شود، اما رسول خدا (ص) چنین کاری را انجام نمی‌داد. ائمهٔ دیگر هم همین‌طور.

این از مسائل مهمی است که در زندگی فردی و اجتماعی ما هم نقش دارد به دلیل اینکه در زندگی پیغمبر (ص) هم یک مسئلهٔ اهمیت داری است. من می‌خواهم یک کمی این بحث را به‌عنوان یک مبحث اخلاقی که در زندگی فردی و اجتماعی ما نقش زیادی دارد تا حدی توضیحاتی بدهم.

ما چند مسئله داریم که همهٔ این‌ها از دید اسلام مهم است. من این‌ها را جدا می‌کنم و بعد هم به آیات و روایات به‌عنوان نمونه چیزهایی را عرض خواهم کرد.

# قرارداد و توافق‌های میان انسان‌ها

بحث قرارداد و توافق‌هایی که میان انسان‌ها، یا میان دو نفر یا میان جامعه‌ای به جامعهٔ دیگر برقرار می‌شود.

به این قرارداد به معنای عام آن گفته می‌شود.

انواع قراردادهایی که میان انسان‌ها امضا می‌شود و موردقبول قرار می‌گیرد.

معاملاتی که ما انجام می‌دهیم بر اساس یک قرارداد است. این یک نوع از قراردادهایی است که به‌صورت معامله است.

این یک مبحثی است که بحث مهمی است و رعایت آن هم بسیار مهم است مگر اینکه خلاف ضوابط دینی و الهی باشد.

همان‌طور که در زندگی رسول گرامی اسلام (ص) هم نقل کردم. رسول‌الله (ص) در مسائل اجتماعی وقتی‌که چیزی را توافق می‌کردند، تلاش می‌کردند که به هیچ نحو اولین کسی که آن قرارداد را نقض می‌کند نباشند. یک ارزش انسانی و الهی است و عقل ما هم بر آن تأکید می‌کند.

# توافق‌نامه میان رسول‌الله (ص) و مسلمان‌ها با یهود

در زندگی پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) که هفته‌های قبل عرض کردم، این جمله آمده بود که وقتی رسول خدا (ص) به مدینه آمدند با یهود بنی قریظه و بنی قینقاع و چند دسته از یهودیانی که در مدینه بودند، یک توافق‌نامه امضا کردند؛ که توافق‌نامه‌ای است مفصل و بسیار زیبا و جامع میان رسول‌الله و مسلمان‌ها ازیک‌طرف و یهود امضاشده بود.

در آنجا حد و حدود و حقوق اجتماعی دو طرف تعیین‌شده بود و قول و قرارهایی هم گذاشته بودند که باهم از مدینه دفاع کنند، بی‌جهت به یکدیگر حمله نکنند و موارد دیگری که در آن عهدنامه آمده بود.

پیامبر بزرگوار (ص) در این عهدنامه و توافقی که میان او و یهود امضاشده بود تا آخر محکم ایستادند.

وقتی‌که یهود از درون مدینه رفتند، با کفار قریش که در مکه بودند پنهانی نقشه کشیدند، توطئه ریختند و علیه رسول خدا (ص) دست به اقدام زدند؛ و برخلاف مفاد مصوب در آن عهدنامه عمل کردند، آن‌وقت رسول خدا (ص) فرمودند: این توافق‌نامه دیگر برای ما اعتبار ندارد.

این‌یک نمونه است و ما امثال این نمونه‌ها را زیاد داریم.

# توافقات میان افراد یا گروه‌ها

بنابراین یک بحث توافقات میان افراد یا گروه‌ها یا جوامع یا دولت‌ها است که از دید اسلام اگر مطابق با موازین کلی اسلامی باشد کمال اعتبار دارد و باید بر آن پایبند بود.

# امانت‌داری

یکی هم بحث امانت است در مسائلی که در روابط افراد و جوامع پیدا می‌شود. وقتی‌که کسی چیزی را به امانت نزد کسی می‌گذارد، یا سخنی را به امانت به او می‌گوید این نوع مسائل یک بحث دیگری است که به آن امانت گفته می‌شود.

هم‌عهد و توافقات و معاهدات برای اسلام خیلی مورد تأکید قرارگرفته و هم امانت‌داری که در روابط اجتماعی امر مهمی است.

عرض ما در مورد امانت‌داری است که اتفاقاً زندگی شخص رسول گرامی اسلام (ص) هم قبل و هم بعد از بعثت به امانت‌داری مشهور بود و ما هم به‌عنوان تعصی به آن بزرگوار در روابط اجتماعی خود امانت را باید امر مهمی بدانیم.

در قرآن آمده که **«فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُکم بَعْضًا فَلْیؤَدِّ الَّذِی اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ»[[1]](#footnote-1)**

اگر کسی چیزی را به امانت به دیگری سپرد وظیفهٔ او است که این امانت را به صاحب امانت مسترد کند و خیانت‌درامانت از گناهان بسیار مؤکدی است که در خود قرآن هم آیاتی در باب آن وارد شده است.

# تأکید روایات بر اخلاق اجتماعی

ما وقتی‌که سراغ روایات برویم این نکتهٔ اخلاق اجتماعی مهم است؛ و روایات ما خیلی بر اخلاق اجتماعی تأکید داشتند.

این روایت از امام صادق (ع) است که فرمودند**: « قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي وَصِيَّةٍ لَهُ اعْلَمْ أَنَّ ضَارِبَ عَلِيٍّ بِالسَّيْفِ وَ قَاتِلَهُ لَوِ ائْتَمَنَنِي عَلَى سَيْفٍ أَوِ اسْتَشَارَنِي ثُمَّ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْهُ لَأَدَّيْتُ إِلَيْهِ الْأَمَانَةَ. »[[2]](#footnote-2)**

برای امام صادق (ع) و هر انسان معتقدی کسی بدتر از قاتل امیرالمؤمنین (ع) نیست؛ و در روایت آمده که قاتل علی بن ابی‌طالب (ع) **«أشقی الاشقیاء»[[3]](#footnote-3)** است. (در مورد ابن ملجم).

خیلی شقاوت می‌خواست که کسی بخواهد آن نور الهی را خاموش کند، آن الگوی تمام‌عیار ایمان و اعتقاد به خدا و پاکی‌ها را از بین ببرد.

امام صادق (ع) برای اینکه ما را در یک امر اخلاق اجتماعی ترغیب به امانت‌داری کند می‌فرماید که: اگر قاتل علی بن ابی‌طالب (ع) چیزی را به امانت به من بدهد، من در امانت او خیانت نمی‌کنم.

# شاخص انسان مؤمن و مسلم

امانت‌داری یک شاخص انسان مؤمن و مسلم است؛ که امین باشد. اگر مالی، سخنی، گفتاری یا هر نوع امانتی را کسی به دیگری سپرد، انسان مؤمن در این امانت به هیچ نحو خیانت نمی‌کند؛ و امانت را به صاحب امانت برمی‌گرداند.

افرادی که متصدی کار مردم می‌شوند، امین مردم هستند.

دو چیز دیگر در روایات دارد که امام صادق (ع) می‌فرماید: اگر قاتل امیرالمؤمنین (ع) با من مشورت کند یا از من طلب خیر و نظرخواهی کند، من نظر درست خود را به او می‌گویم.

این هم نوعی امین شمردن دیگری است.

کسی از شما به‌عنوان اینکه تجربه‌ای دارید نظرخواهی می‌کند مثلاً می‌گوید که می‌خواهم تحصیل کنم، چه رشته‌ای بروم و...این هم نوعی امین شمردن شما است.

این یک دایره‌ای از امانت‌ها است. اینکه کسی مالی را به شما به ودیعه می‌گذارد امانت است، اینکه کاری را به‌عنوان اینکه برای او انجام دهید به شما می‌سپارد، حتی با اجاره و با پول دادن، این نوعی امانت است، اینکه کسی با شما در مورد کار، شغل یا هر چیز دیگری مشورت و نظرخواهی می‌کند، این نوعی امانت است. همهٔ این‌ها در این روایت آمده است.

اگر امین کسی شدی در امانت او خیانت نکن و مالش را به او بازگردان.

جملهٔ (حتی اگر قاتل علی (ع) به شما اعتماد کرد، شما به او خیانت نکن) در روایت دیگری باز از امام صادق (ع) آمده که می‌فرماید: **«اتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَیکمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَی مَنِ ائْتَمَنَکم»[[4]](#footnote-4)** از خدا بترسید و امانت را به کسی که به شما اعتماد کرده است برگردانید.

# پایه‌های اخلاق اجتماعی اسلام

یکی از پایه‌های اخلاق اجتماعی اسلام این است که انسان امانت را درست نگاه بدارد.

همان‌طور که عهدها و قراردادهای اجتماعی، توافق‌های اجتماعی و فردی میان انسان‌ها باید محترم باشد و کسی در آن‌ها خیانت نکند و رسول خدا (ص) و ائمهٔ ما هم بر آن مواظبت داشتند در امانت‌ها هم کمال دقت را به عمل آورد تا در امانت خیانت نشود.

در جای دیگر دارد که امانت را برگردانید ولو به قاتل امام حسین (ع).

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: در امانت خیانت نکنید ولو امانت قاتل انبیاء باشد.

اگر این روایات را کنار هم بگذاریم می‌فهمیم که مسئلهٔ امین بودن چقدر مهم است.

امیرالمؤمنین (ع) در روایت دیگری می‌فرماید که: **«أُقْسِمُ لَسَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص)»[[5]](#footnote-5)**

سوگند یاد می‌کنم که از رسول گرامی اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) شنیدم که قبل از وفات و رحلتشان سه بار فرمودند: علی، **«یا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ [أداء] الْأَمَانَةَ إِلَی الْبَرِّ وَ الْفَاجِر»[[6]](#footnote-6)** امانت را بازگردان، چه به نیکوکار و چه به گناه‌کار.

و در همهٔ حالات امانت را محافظت کن.

در روایتی دارد که به سفید و سیاه، به هر فردی که باشد ولو دشمن تو، امانت را به او برگردان.

# معیار و شاخص اخلاق اسلامی

در روایات ما در سیرهٔ پیغمبر اکرم (ص) عهد را پایبند بودن و امانت را به صاحب امانت بازگرداندن به‌عنوان یک معیار و شاخص اخلاق اسلامی تأکید شده است. آن هم با این دامنه که در امانت خیانت نورز ولو دشمن تو باشد، گناه‌کار باشد و یا قاتل انبیاء باشد.

# معنای اولیهٔ امانت

نکته‌ای که بر این روایات بود و باید روی آن تأکید کنیم این است که وقتی‌که ما می‌گوییم امانت، یک معنا و دایرهٔ اولیهٔ آن این است که کسی مالی را به شما می‌دهد و می‌گوید این را برای من حفظ کن، امانت او را نگه‌دار و طبق آنچه خودش می‌گوید همان‌طور به او بازگردان.

در روایات ما دایرهٔ امانت توسعه داده شده است.

# انواع امانت‌داری

# 1 ـ امانت در مال

یک نوع امانت، همان امانت مالی است. یک نوع امانت این است که کسی کاری را به شما بسپارد و شما امین او می‌شوید.

مثلاً وقتی‌که کسی برای خرید به مغازه‌ای مراجعه می‌کند، با آن پولی که می هد، به صاحب مغازه اعتماد می‌کند، به نحوی امین او در این خرید است.

# 2 ـ امانت در کاری که به شخص سپرده می‌شود

در روایات ما می‌گوید این‌ها امانت است یعنی وقتی‌که معامله می‌کنی روی همان‌که قرار است عمل کن و در آن امانت خیانت نکن.

# 3 ـ امانت به فکر

اگر کسی از تو نظر خواست، مشورت کرد، راه‌حلی برای مشکل خود در زندگی می‌خواهد و به فکر تو اعتماد کرده است این هم نوعی امانت است.

انسان معتقد و به هنجار و سالم بر اساس موازین اخلاق اجتماعی اسلام در امانت در هیچ قسم آن نباید خیانت کند.

این را یک تکلیف و وظیفه اخلاقی، انسانی و الهی خودش ببیند.

از روی هواهای نفس خود در مال مردم بیجا تصرف نکند، روی خواسته‌ها و تمایلات نفسانی خودش در کارهایی که جامع و مردم به او سپرده‌اند خیانت نکند و آن‌ها را طبق قاعده و درست انجام دهد؛ و اگر مورد مشورت و نظرخواهی قرار گرفت، مشورت را درست ارائه دهد و در ارائهٔ نقطه‌نظر و مشورت خودش خیانت نکند.

# آثار امانت‌داری

آثار مهمی که بر این امانت‌داری مترتب می‌شود روشن است. اگر خلق‌وخوی یک جامعه در خیانت‌درامانت نباشد، این جامعه خیلی سالم می‌شود.

# وجود اعتماد اجتماعی

وجود اعتماد اجتماعی که مایهٔ رشد و ترقی و سلامت یک جامعه است به همین نکته برمی‌گردد.

هیچ‌چیزی بدتر از این نیست که جامعه‌ای دچار بی‌اعتمادی شود، آحاد جامعه نسبت به هم بدگمان باشند و احساس اعتماد و اطمینان نکنند، این جامعه هرگز نمی‌تواند یک جامعهٔ قوی و سالم و مترقی باشد.

ولی اگر در یک جامعه فضای اعتماد و اطمینان حاکم باشد، آن جامعه سعادتمند است.

یکی از ارکان و پایه‌های سلامت و اعتماد اجتماعی امانت‌داری است.

اگر روح امانت‌داری در جامعه حاکم باشد، آن‌طور که پیشوایان ما تا آن حد در آن تأکید کرده‌اند که می‌گوید حتی در امانتی که قاتل علی (ع) به تو سپرده است خیانت نکن.

اگر این شاخص و ملاک در جامعه باشد، بخش زیادی از آن حسن ظن و اعتماد اجتماعی پدید می‌آید که در همهٔ ابعاد مادی و معنوی و رشد و ترقی یک جامعه است. در دنیا اثر دارد و طبعاً به‌عنوان یک دستور الهی در سعادت معنوی و اخروی انسان هم تأثیر دارد.

این یک بحث بود که در این خطبه عرض کردم.

# معیار مهم در اخلاق

یک معیار مهم در اخلاق این است که با دیگران چنان رفتار کن که دوست داری با خودت رفتار کنند. این قاعدهٔ عقلی است؛ و در روایات ما خیلی تأکید شده است.

یکی از ملاک‌های مهم آن بحث امانت‌داری در سه محوری که عرض کردم است؛ و بعضی از روایات آن هم خوانده شد و نمونه‌های آن هم در سیره و تاریخ پیغمبر و ائمه (ع) هم فراوان است.

البته این در مسائل فردی بود. به یاری خدا همین بحث امانت را در مسائل اجتماعی در خطبهٔ دیگر موردبحث قرار می‌دهیم که می‌بینیم اسلام علاوه بر اینکه این امانت‌داری را در روابط افراد در یک جامعه، دو دوست، دو عضو یک خانه، دو فرد از یک شهر و یک جامعه، دو انسان حتی مؤمن و غیر مؤمن، رابطهٔ امانت‌داری باید همه‌جا رعایت شود. اگر امین کسی شدی در امانت او چه مال باشد، چه کار و عمل باشد و چه فکر و نظر باشد، خیانت نکن.

این یک بحث بود که به‌صورت کلی عرض کردم و عمده هم توصیه دارم که همهٔ ما در این امانت‌داری با معنای وسیع آن واقعاً باید کوشش کنیم.

# امانت‌های اجتماعی

بحث مهم‌تر که امانت‌های اجتماعی است، امانت‌های اجتماعی کاری است که جامعه به ما سپرده است. فرض کنید به‌عنوان یک فردی که مسئول یک اداره یا کارمند یک اداره است یا موقعیتی در جامعه دارد. این هم یک امانت است؛ که باید در آن خیانت نکرد.

مطالب مهمی در این قسمت هست که بعداً عرض می‌کنم.

بنابراین امانت‌داری در روابط فردی ما سه مصداق و محور دارد که بسیار مهم است و در مسائل اجتماعی و بعد هم مسائل الهی و معنوی درجات دیگر این امانت‌داری است که انشاء الله در خطبه‌های بعد به آن خواهم پرداخت.

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِی خُسْرٍ إِلَّا الَّذِینَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ[[7]](#footnote-7)**

# خطبه دوم

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمدالله الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله.**

**شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائکة و معدن العلم و اهل بیت الوحی صلواتک علیهم اجمعین.**

**اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم.** **یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ[[8]](#footnote-8) عباد الله اوصیکم و نفسی بتقوا الله و ملازمة امره و مجانبة نهیه. تجهزوا عبادالله فقد نودی فیکم بالرّحیل و تزودوا فان خیر زاد التقوا**

باز هم همهٔ شما خواهران و برادران گرامی و خودم را به پارسایی و پرهیز از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها، اصلاح نفس، دور کردن رذایل اخلاقی از خود و ذکر و یاد خداوند و تذکر نعم الهی و صبر و بردباری در انجام تکالیف و پرهیز از گناهان و شکر و ذکر او در همهٔ احوال سفارش و دعوت می‌کنم.

امیدواریم خداوند با الطاف و عنایات خودش همهٔ ما را از بندگان موفق و مؤید قرار بدهد.

# مناسبت‌ها

# میلاد حضرت فاطمه معصومه (س)

اول ذی‌القعده است که بنا بر آنچه در تواریخ آمده است در اول ذی‌القعدهٔ 173 هجری قمری حضرت فاطمه معصومه (س) متولد شدند و من تولد ایشان را تبریک عرض می‌کنم.

همان‌طور که مستحضر هستید یکی از امامزادگانی که از جلالت ویژه و خاصی برخوردار هست حضرت فاطمه معصومه (س) است.

طبق روایات یکی از شهرها و نقاط ارزشمند نزد خداوند قم است؛ و دست تقدیر الهی این بود که آن سرزمین مقدس پذیرای این مهمان عزیز و بزرگوار باشد.

حضرت فاطمه معصومه (س) سن زیادی هم نداشتند.

حضرت معصومه (س) از امامزاده‌های معمولی نبود. از امامزاده‌های خاص و ممتازی بود که در همان سنین نوجوانی و جوانی به مدارج عالیه‌ای از ایمان و معرفت رسیده بود.

زیارت حضرت معصومه (س) که ملاحظه کرده‌اید، از زیارت‌هایی است که سند معتبر دارد و قبل از اینکه فاطمه معصومه (س) متولد بشوند در زمان امام باقر (ع) و امام صادق (ع) به زیارت ایشان توصیه و از ایشان تجلیل و تعریف شده است.

این معلوم می‌شود که یک ملاحظه و محاسبهٔ الهی در کار بوده و چهرهٔ ممتاز و برجسته‌ای بودند.

مدفون شدن ایشان در قم در واقع دو عاملی بود که در کنار هم جمع شد و آن سرزمین را متبرک‌تر، سودمندتر و پربرکت‌تر قرار داد.

میلاد حضرت فاطمه معصومه (س) و نوادهٔ بزرگ رسول خدا (ص) را به شما برادران و به‌خصوص خواهران گرامی تبریک عرض می‌کنم.

# دههٔ مبارکهٔ فجر

موضوع عمدهٔ ما چون در دههٔ مبارکهٔ فجر هستیم و طبعاً انتظار می‌رود که از ایام انقلاب و حوادث مربوط به انقلاب سخن گفته شود، من در این یکی دو خطبه که این هفته هست و هفتهٔ آینده هم که روز 22 بهمن و روز راهپیمایی است به گوشه‌هایی از تاریخ انقلاب اشاره می‌کنم.

امیدوارم عزیزانی که آن عصر و دوره را درک نکرده‌اند یا فاصلهٔ بیشتری دارند. به بخشی از این تاریخی که اشاره می‌کنم ان‌شاءالله توجه کنند که این تاریخ برای ما گنجینهٔ مهم و شناسنامهٔ هویت اجتماعی و کشوری ما است.

سال‌های قبل گاهی به مناسبت‌هایی به گوشه‌هایی از حوادث انقلاب اشاره کردم؛ و تقریباً به‌صورت مسلسل‌وار سیر تاریخی آن را در خطبه‌ها خدمت شما عرض کردم.

الآن هم به نحوی همان مباحث هست منتها بعضی از قسمت‌های آن را توضیح بیشتری می‌دهم.

ما اگر بخواهیم انقلاب را ریشه‌یابی کنیم، به یک معنا باید حوادث بعد از ارتحال مرحوم آیت‌الله بروجردی را ببینیم.

# حوادث زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی

بعد از پایه‌گذاری حوزهٔ علمیهٔ قم در زمان رضاخان که بعد از او پسرش آمد و در دورهٔ جوانی بود و هنوز آن اقتدار را نداشت؛ و ابتدا خیلی هتاک و جسور نبود ولی به‌تدریج بر هتاکیت و جسوریت و خیانت در امانت ملت و در سرمایه‌های ملت افزوده شد.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی یکی از چهره‌های مهمی که در درون حوزهٔ قم در برابر تجاوزطلبی دستگاه ستم شاهی و قدرت‌های استکباری ایستاده بود، مرحوم آیت‌الله بروجردی بود؛ و درواقع همان‌طور که همه می‌دانیم مرجعی که یک مرجعیت تقریباً یگانه‌ای پیدا کرد و ازنظر علم و درجات ایمانی فوق‌العاده شخصیت ممتازی بود.

مرحوم آیت‌الله بروجردی یکی از مراجع و چهره‌های کمتر شناخته‌شدهٔ ما است.

چهرهٔ بسیار ممتاز ازنظر علمی، اخلاقی، ایمانی و در همهٔ این جهات انسان فوق‌العاده‌ای بوده است.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی حتی شاه هم مجبور بود که ملاحظهٔ ایشان را بکند.

خیلی از نقشه‌ها و دسیسه‌هایی که استعمارگرها می‌خواستند به کار ببندند، در برابر هیمنهٔ مرحوم آیت‌الله بروجردی و قدرت معنوی، روحی و علمی آن مرجع عظیم‌الشأن عالم اسلام و تشیع توانایی نداشتند.

این چیزی در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی بود و زندگی مرحوم آیت‌الله بروجردی و تحلیل آن فرصت دیگری می‌خواهد که من الآن وارد آن نمی‌شوم.

# حوادث بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی

آنچه ما با رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی با آن مواجه هستیم این است که در واقع تاریخ ما وارد یک مرحلهٔ جدیدی شد.

با ارتحال مرحوم آیت‌الله بروجردی، مرجعیت از آن تمرکز در شخص ایشان بیرون آمد و بعد از ایشان تعدادی از مراجع پیدا شدند و مردم در مقام تقلید به آن‌ها مراجعه کردند.

تعدادی از مراجع بودند که معمولاً نام آن‌ها را شنیده‌اید و شناخته شده هستند.

آنچه مهم است این است که حوادث سیاسی و اجتماعی در تاریخ ما پیدا شد که در آن معرکه و گردنه‌های سخت روزگار در میان همهٔ مراجع، حضرت امام (ره) با آن ویژگی‌های منحصربه‌فردی که در خودشان داشتند و با آن جامعیتی که داشتند بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی ایشان به‌تدریج یک نوع شخصیت پیدا کرد و علم یک مبارزهٔ بزرگ برای احقاق حقوق مردم را به دوش کشید.

# سابقهٔ تاریخی علما و مراجع

این سابقهٔ تاریخی بسیاری از علما و مراجع ما بوده است که در برابر تضییع حقوق مردم قد علم می‌کردند. بعد از مرحوم آیت‌الله بروجردی حوادث چندگانه‌ای پیش آمد که آن وضع زمان آیت‌الله حائری و وضعی که زمان آیت‌الله بروجردی بود در ربط و ارتباط حوزه، دولت و حکومت به هم ریخت.

در زمان مرحوم عبد کریم، مرحوم شیخ (رضوان‌الله) ابتدای کار بود و برای تأسیس حوزهٔ قم و تقویت مبانی و بنیادهای حوزهٔ علمیهٔ قم طوری رفتاری می‌کرد که وظیفهٔ خودشان تشخیص داده بودند و البته از آن نتیجه‌ای را که می‌خواستند گرفتند.

# قابلیت‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی

بعد از مرحوم آیت‌الله حائری چند سالی چند تا از مراجع در قم بیشتر مطرح بودند و به فاصلهٔ 3،4 سال بعد از فوت ایشان مرحوم آیت‌الله بروجردی که عراق تحصیل‌کرده بود و چهرهٔ بسیار مهم اخلاقی و معنوی بود به قم آمدند.

قابلیت‌های مرحوم آیت‌الله بروجردی و علم و کمالات ایشان طوری بود که عملاً علمای دیگر هم صحنه را باز کردند برای اینکه ایشان مرجعیت واحد را داشته باشد.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی گاهی دستگاه حکومت قرار بر تخلف داشت؛ اما معمولاً با یک حالتی از ترس در برابر ایشان عمل می‌کرد.

بالاخره مرحوم آیت‌الله بروجردی طوری بود که دستگاه با همهٔ ارتباطات خارجی که داشت روی ایشان حساب می‌کرد.

در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی روابط خوبی نبود اما در عین حال ترس شاه و دستگاه او مانع بعضی از اقدام‌های جسورانه‌اش بود.

آن‌طور که اسناد زیادی نشان می‌دهد و خود آمریکایی‌ها و خود دستگاه این‌طور محاسبه کرده بودند که با ارتحال مرحوم آیت‌الله بروجردی سد بزرگی که مقابل امیال و خواسته‌های شیطانی آن‌ها است فرومی‌ریزد و آن سد می‌شکند و زمینه برای گستاخی و جسارت و پیشتازی دستگاه شاه فراهم می‌شود.

# رحلت مرحوم آیت‌الله بروجردی

مرحوم آیت‌الله بروجردی در سال 40 شمسی از دنیا رفتند.

# لوایح شش‌گانه و رفراندوم

به فاصلهٔ حدود یک سال بعد از ارتحال مرحوم آیت‌الله بروجردی شاه بحث یک لوایح شش‌گانه و رفراندوم برای آن مطرح کرد.

در آن لوایح که بعضی ظاهر خوبی داشت اما در باطن نقشه‌های شیطانی در آن بود.

مثلاً شاه قانون انتخابات را اصلاح کرده بود و در قانون انتخابات شرط قسم به قرآن خوردن را برداشته بود؛ و نظایر این‌ها.

این لوایح شش‌گانه را آورد که به رفراندوم بگذارد.

بحث مطرح‌شدن رفراندوم اولین موردی بود که مردم، نیروهای مذهبی و علما در برابر آن عکس‌العمل نشان دادند چون احساس می‌کردند که شاه می‌خواهد با این رفراندوم یک موج جدیدی را به وجود بیاورد برای اینکه حقوق مردم را تضییع کند برای وابستگی بیشتر و مقابله علما هم یک مقابلهٔ جدی بود.

اعتراض‌های زیادی در درون تهران و شهرهای دیگر و قم در برابر طرح و توطئه‌ای که شاه چیده بود به میان آمد.

شاه هم احساس می‌کرد که از یک طرف یک چیزی را خودش مطرح کرده و نمی‌تواند عقب‌نشینی کند و از طرف دیگر این موج اعتراضاتی که برای او پدید آمده خیلی شکننده بود؛ و نخست‌وزیر او در آن زمان اسدالله علم بوده است.

# نخست‌وزیرهای شاه

اگر کسی تاریخ نخست‌وزیرهای شاه، اسدالله علم، منصور، هویدا، آموزگار، شریف امامی و بختیار را بخواند واقعیت اهمیت و قدر انقلاب را می‌داند.

چه آدم‌های فاسد، وابسته و بعضی از آن‌ها مستقیم مرتبط با دستگاه‌های غربی بودند.

هویدا که حدود 14 سال در کشور ما نخست‌وزیر بود و چه خیانت‌هایی در طول دورهٔ او در کشور ما واقع شده است.

در زمان اسدالله علم و منصور که بعد آمد و ترور شد، اقدام‌های عجیبی هم علیه دین و اعتقادات مردم و هم علیه زندگی و اقتصاد و استقلال مملکت انجام گرفت.

اگر کسی این را حساب کند که در طول آن سال‌ها که به‌تدریج قیمت نفت به یک قیمت بسیار بالایی رسید و زمینهٔ بسیار خوبی برای استقلال اقتصادی کشور فراهم بود و بعد ببیند که این‌ها چطور رفتار کردند که چیزی جز وابستگی به خارج نیفزودند.

علاوه بر آن وابستگی، گسترش فساد و فحشا و مقابله با مبانی دینی که رواج دادند.

زندگی این نخست‌وزیرها زندگی عجیبی است.

آن‌هایی که اهل مطالعه هستند بخوانند و ببینند که اسدالله علم چه آدمی بوده که بسیاری از گوشه‌های زندگی او شرم‌آور است که کسی مطرح کند. انسانی وابسته به بیگانه و غرق در فسادها و منکرات و غوطه‌ور در تعفن‌های حیوانی و شهوانی بود.

و این رفراندوم در زمان او بود.

# مخالفت‌ها علیه رفراندوم

علی‌رغم مخالفت‌هایی که با رفراندوم شد، شاه با حضور بسیار کم مردم آن رفراندوم را برگزار کرد، یک رفراندوم و همه‌پرسی دروغین با شرکت بسیار ناچیز مردم بدون اینکه مردم در گوشه و کنار کشور بدانند که چه حرکت و اقدامی می‌شود.

امام (ره) در آن قضیه وارد صحنه شدند، مراجع دیگر هم بودند؛ و بعد از این رفراندوم با آن مقابله کردند. این جریان یکی دوساله‌ای است که ادامه پیدا کرد و در خیلی از مقاطع رژیم شاه در برابر وحدت و یکدستی که علما و مردم داشتند مجبور به عقب‌نشینی می‌شدند و البته در بعضی از جاها هم اعتنایی نمی‌کردند.

بخشی از این جریان را من سابق عرض کردم.

# برگزاری رفراندوم

در 6 بهمن سال 41 این رفراندوم برگزار شد، آمریکایی‌ها خیلی تأیید کردند و علی‌رغم اینکه موج اعتراض‌های علما، مراجع و مردم کشور آمدند و آن کار را انجام دادند تشکر کرد، رئیس‌جمهور آمریکا همان وقت از شاه تشکر کرد و در آن در مرحله در میان همهٔ کسانی که حرف می‌زدند، امام (ره) یک وضع و شرایط دیگری داشت.

سخنرانی‌های ایشان بسیار حساب‌شده، با مواضع دقیق و جامعیت کم‌نظیر بود.

به‌تدریج امام (ره) در گردنهٔ این حوادثی که پیش می‌آمد، در میان روشن‌فکرها، دانشگاهی‌ها، مردم متدین، علما، حوزه و به‌خصوص نسل جوان سخنرانی‌ها، اطلاعیه‌ها و مواضع امام (ره) جای خودش را باز می‌کرد و ملت حس می‌کرد که او می‌فهمد که این جامعه چه مشکلی دارد و از سر دلسوزی برای احقاق حقوق مردم قد علم کرده است.

# هجوم به مدرسهٔ فیضیه

به‌هرحال این حوادث سال 41 می‌گذرد و تا سال 42 می‌رسد و 25 شوال 82 که اولین فروردین 42 بود، به مدرسهٔ فیضیه هجوم بردند؛ و امام (ره) به فاصلهٔ یکی دو ماه بعد در خردادماه روز عاشورا در مدرسهٔ فیضیه آمدند و پایهٔ یک حرکت جدید را ریختند.

و امام (ره) در آن سخنرانی دست روی خود شاه، ارتباط او با آمریکا، ارتباطی که او با اسرائیل داشت و مقابله‌ای که شاه با کل عالم اسلام داشت گذاشتند.

سخنرانی امام (ره) در عاشورای سال 83 که خرداد 42 بود، یک جریان جدیدی از اسلام‌خواهی و استقلال‌طلبی را در میان مردم پایه‌گذاری کرد.

# قضیه 15 خرداد

و به فاصلهٔ دو روز بعد دیدند که امام (ره) با این مواضع خود و با این استقبالی که مردم از او کردند شب 15 خرداد امام (ره) را دستگیر کردند.

به دنبال این قضیه 15 خرداد پیدا شد. همان چیزی که امام (ره) خیلی به آن اهمیت می‌داد؛ و یک مبدأ مهمی در تاریخ کشور ما است.

15 خرداد به خاطر دستگیری امام (ره) و به‌عنوان حمایت مردم از مرجعیت و رهبری امام (ره) که حس می‌کردند که این یک رهبری روشن‌بینانه و آگاه، شجاع و مقتدری است که آمده است؛ و دستگیری امام (ره) برای مردم قابل‌تحمل نبود و جریان 15 خرداد پیش آمد.

# تعویض نخست‌وزیر

15 خرداد در دورهٔ اسدالله علم واقع شد و در همین دوره حدود یکی دو سال مجلس را تعطیل کردند، یک انتخابات تقلبی را راه انداختند و مجلس بیست و یکم را شکل دادند.

شاه و دستگاه‌های پشتیبان او حس کردند که در طول این دو سال امام (ره) خیلی خوب جلو آمد و درواقع احساس خطری به همهٔ ارکان رژیم و حامیان او در خارج از کشور به دست داد و این منشأ آن شد که این‌ها نخست‌وزیر را عوض کنند.

در 20 اسفند 43 نخست‌وزیر را تغییر دادند؛ که یک مقدار بار چیزهای قبلی را گردن نخست‌وزیر انداختند، حتی بعضی از آن‌هایی که در دستگاه بودند اظهار عذرخواهی کردند و منصور را آوردند.

# آزادی امام (ره)

امام (ره) در طول چند ماه تا اول فروردین 43 حدود 5،6 ماه در زندان و بعد هم در قیطریه بودند و در طول این سال‌ها خیلی در مردم اختلاف ایجاد کرده بودند و آن شور و حرکت‌ها کم‌تر شده بود. این‌ها حس کردند که بعد از چند ماهی که امام (ره) در زندان بوده است و احتمالاً مردم هم خسته شده‌اند و دیگر زمینه تمام است. این بود که اوایل فروردین 43 امام (ره) را آزاد کردند.

و به دستور شاه در روزنامه‌ها به‌دروغ نوشته بودند که ما با امام (ره) مصالحه کردیم، دیگر بین ما و روحانیت مسئله‌ای نیست. فکر می‌کردند که امام (ره) هم زهرچشمی دیده و مردم هم احساس خستگی کردند و دیگر آمادگی ندارند برای اینکه این کار ادامه پیدا کند.

امام (ره) در همان فروردین به فاصلهٔ 4،5 روز بعد از آزادی‌شان، بعد از یک دوره‌ای که خرداد 42 پیش آمده، مردم کشته شدند، خود ایشان به زندان رفته و بسیاری از شاگردان و از چهره‌های برجستهٔ حوزه و دانشگاه به زندان رفتند، این هجوم زیاد به امام (ره)، مردم، شاگردان، چهره‌های حوزوی و دانشگاهی را به حساب این آوردند که مردم آرام شده‌اند و با آزادی امام (ره) همه‌چیز را سرپوش می‌گذاریم.

شاید خیلی از حساب‌هایشان هم درست بود. نظیر این در تاریخ در وقت‌های دیگر هم بوده است ولی در مورد امام (ره) این حساب‌ها درست نبود.

# سخنرانی امام (ره) در 21 فروردین سال 43

در 17 فروردین 43 امام (ره) را آزاد کردند؛ و امام (ره) 21 فروردین همان سال یعنی 4 روز بعد سخنرانی کرد.

بعد از درس در مسجد اعظم سخنرانی بسیار قوی و شدید که هنوز هم نوار آن هست.

از سخنرانی‌های ناب امام (ره) است که اشاره به حادثهٔ 15 خرداد می‌کنند؛ و می‌فرمایند که قلب مرا جریحه‌دار کرد و طلبه‌ها گریه می‌کنند.

آن نوار یک موج جدیدی ایجاد می‌کند؛ و امام (ره) می‌فرمایند هیچ‌چیز با قبل فرق نکرده است.

ما برای استقلال این کشور، برای دفاع از این مردم همه در صحنه حاضر هستیم و چیزهایی که نوشته بودند دروغ بود و من از کشته شدن باک ندارم و آمادهٔ همه‌چیز هستم.

این نقشهٔ یک‌ساله‌ای بود که این‌ها طراحی کرده بودند.

از یک طرف 15 خرداد آمد که عدهٔ زیادی را کشتند. از آن‌طرف چهره‌های زیادی را زندانی کردند. از آن‌طرف امام (ره) به زندان رفته و شکنجه و زندان را طراحی کرده بودند برای اینکه دیگر آرام شود.

امام (ره) تمام آن‌ها را با یک سخنرانی نقش بر آب کرد.

# حادثهٔ کاپیتولاسیون

اول سال 43 مبارزه وارد یک مرحلهٔ جدید شد. در همین ایام یک حادثه‌ای پیش می‌آید که درواقع سرمایه و دست‌مایه‌ای برای یک حرکت جدید امام (ره) می‌شود؛ و آن حادثهٔ کاپیتولاسیون بود.

# یکه‌تازی آمریکا در کشور ما

اجمال این حادثه این بود که در همان زمان بعد از کودتای زمان 28 مرداد که درواقع دیگر آمریکا یکه‌تاز در کشور ما بود؛ و یکه‌تازی که امروز خود آمریکایی‌ها گاهی اسناد آن را افشا می‌کنند و خودشان هم قبول دارند که آن‌وقت یک ستم بزرگی را بر این کشور روا داشتند. ستمی که ما را نیم‌قرن به عقب انداخت؛ و یک دورهٔ ممتد استبداد و وابستگی را بر ما تحمیل کرد.

آمریکایی‌ها به‌صورت 50،60000 مستشار نظامی و اقتصادی در کشور ما بودند و درواقع آن‌ها همه‌کارهٔ کشور ما بودند.

این‌ها یک قانونی را در مجلس بردند که طبق آن قانون تمام مستشارهای آمریکایی، کارمندان، خدمه و ...که قریب 100000 نفر می‌شدند، در کشور ما امنیت کامل داشتند؛ و دادگاه‌های ما نمی‌توانست آن‌ها را محاکمه کند. هر خلافی می‌کردند کسی نمی‌توانست چیزی به آن‌ها بگوید.

# قانون عهد استعمار

قانونی که در کشورهای عقب‌افتادهٔ آن‌وقت دنیا آن را لغو کرده بودند و این‌ها از نو در کشور ما احیا کردند.

بر اساس این قانون امام (ره) در سخنرانی خود فرمودند، اگر یک ایرانی، شاه ایران، مرجع تقلید ایران یک سگ آمریکایی را بکشد آن‌ها می‌توانند او را مواخذه کنند و اگر یک آدم معمولی و مستخدم آمریکایی یک چهرهٔ مهم کشور ما را بکشد. اینجا نمی‌تواند محاکمه شود و باید به آمریکا برود.

کسانی که اهل مطالعه هستند، کاپیتولاسیون و این نوع امنیت قضایی و اجتماعی دادن به تبعات بیگانه معنایش اسارت و وابستگی کشور بود.

واقعاً برای کشور با آن سابقه، سرمایه‌ها، عزت و عظمت چیز سنگینی بود.

این قانون را در مهرماه 43 در مجلس بردند؛ و امام (ره) وقتی‌که این قانون را مطلع شدند، مبارزه را وارد مرحلهٔ جدیدی کردند.

# سخنرانی امام (ره) علیه کاپیتولاسیون

در 4 آبان که برای آن‌ها روز مهمی هم بود، امام (ع) علیه کاپیتولاسیون سخنرانی کردند. سخنرانی بسیار کوبنده که نوار آن هست؛ و درواقع با یک تحلیل دقیق حقوقی و با منطق بسیار قوی حقوقی نشان دادند که شاه و وابستگان او ما را به عصر استعمار قدیم و اسارت مطلق هدایت می‌کنند.

این مرحلهٔ جدیدی بود که امام (ره) روی آن انگشت گذاشتند و خود آن‌ها هم هیچ توجیهی نداشتند؛ و آن‌قدر زشت بوده که حتی در مجلس وابستهٔ خودشان هم عده‌ای با آن مخالفت کردند.

از آن‌طرف هم آمریکایی‌ها از تصویب این قانون بسیار خوشحال بودند.

درواقع امام (ره) همین 8،9 ماه در قم بودند که چند سخنرانی مهم کردند، موج جدیدی از گرایش مردم به استقلال و اسلام و کشور خودشان پدید آمد در دانشگاه‌ها در محیط‌های بازار، شهرها و نقاط مختلف کشور و با این سخنرانی علیه کاپیتولاسیون شاه حس کرد که امام (ره) دیگر قابل‌تحمل نیست. این بود که امام (ره) را روز 13 آبان از کشور تبعید کردند.

# اهمیت تاریخ برای آیندهٔ کشور

این فصلی است که برای ما خیلی مهم است و ریزه‌کاری‌های این تاریخ برای نسل امروز و آیندهٔ کشور ما اهمیت دارد؛ یعنی ما کشوری بودیم که به سمت آن وابستگی و اسارت می‌رفتیم درحالی‌که همهٔ سرمایه‌های اقتصادی ما از بین رفت.

از طرف دیگر حیثیت و شرافت این ملت را بین می‌بردند و از طرف دیگر همهٔ پایه‌های دین و ایمان مردم را هدف‌گیری کرده بودند و با هوشیاری و رهبری امام (ره) این حرکت انجام گرفت.

اگر ما امروز می‌گوییم که باید قدر انقلاب را دانست، اگر ما امروز دههٔ فجر داریم معنایش این است که این سرمایه که امروز به دست ما آمده است با بهای گزاف به دست نیامده است.

1. سوره بقره آیه 283 [↑](#footnote-ref-1)
2. تفسیر الصافی، ج 1، ص 461، [سورة النساء (4): آیة 58] [↑](#footnote-ref-2)
3. إرشاد القلوب / ترجمه طباطبایی، ص 78 [↑](#footnote-ref-3)
4. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج 5، ص 133 [↑](#footnote-ref-4)
5. تحف العقول، النص، ص 175 [↑](#footnote-ref-5)
6. تحف العقول، النص، ص 175 [↑](#footnote-ref-6)
7. سوره العصر آیه 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-7)
8. سوره الحشر آیه 18 [↑](#footnote-ref-8)